

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۱ اکتوبر ۲۰۲۲

برندگان و بازندگان جنگ اوکراین

متخصصان امور اقتصادی برای اقتصاد المان روز به روز پیش‌بینی‌های تیره و تاری ارائه می‌دهند. اما واقعیت این است که عده‌ای هم از قبل این وضعیت بحرانی روز به روز سود بیشتری می‌برند. برندگان بحران اوکراین به طور عمده ساکن کشور امریکا هستند، در حالی که بازندگان آن به طور عمده در اروپای مرکزی به ویژه در کشور المان به سر می‌برند.

«مارتین وانزلین» (Martin Wansleben) مدیر کل اتاق صنایع و تجارت المان در ۲۰ جون سال جاری به صراحت پیش‌بینی کرد که «همه ما ۲۰ تا ۳۰ درصد فقیرتر خواهیم شد». و روزنامه «هاندلزبلات» (Handelsblatt) در تاریخ ۲۹ اگست نوشت: «المان در تله قیمت انرژی گرفتار آمده است...» «در آینده نچندان دور صنایع کلیدی کشور، یکی پس از دیگری تعطیل خواهند شد». هم اکنون قیمت انرژی در کشور المان چند برابر قیمت انرژی در امریکا و کشورهای آسیایی است و در آینده به طور قطع باز هم افزایش خواهد یافت. هم اکنون قیمت گاز برای صنایع المان ۸ برابر قیمت گاز در امریکاست. شرایط برای صنایع متوسط و کوچک حتی تلخ‌تر از این است. صنایعی که به تعبیری ستون فقرات اقتصاد المان به شمار می‌آیند.

در حالی که در سال ۲۰۱۹ تعداد شاغلان در کنسرن‌های بزرگ المان ۳/۵ درصد از کل شاغلان را تشکیل می‌دادند، شرکت‌های متوسط - که تا ۵۰۰ نفر کارگر و کارمند دارند - ۸۵ درصد از کل شاغلان این کشور را دربرمی‌گرفتند. اما امروز به گواهی مطبوعات معتبر اقتصادی، ورشکستگی هزاران شرکت متوسط را تهدید می‌کند. افزایش سرسام آور قیمت انرژی، برق و مواد خام، این شرکت‌ها را به پرتگاه ورشکستگی سوق داده و شرایط فاجعه باری برای اقتصاد المان به وجود آورده است.

حال به بینیم که برندگان این شرایط کیانند:

برای نمونه کنسرن‌های انرژی «اکسون موبایل» (Exxon Mobil) در امریکا در ۶ ماه اول سال ۲۰۲۲ نزدیک به ۶۱٪ بر فروش خود افزوده و آن را به ۲۰۰ میلیارد دلار ارتقاء داده‌اند که ۲۳/۳ میلیارد دلار سود آن را کلان سرمایه‌داران به جیب مبارک زده‌اند. بد نیست بدانیم که در همین بازه زمانی بسته‌های اقتصادی دولت المان جهت کاهش فشار اقتصادی «خود ساخته» ای که گریبان مردم را می‌فشرد ۱۰ میلیارد یورو بوده است.

شرکت روسی «گازپروم» (Gazprom) (طی همین مدت ۲/۵ تریلیون روبل (۴۱ میلیارد یورو) درآمد خالص داشته است که برابر است با کل درآمد سال گذشته این کنسرن. بنابراین تحریم‌های عدیده و دیوانه‌وار اروپا و المان علیه روسیه، به روسیه و امریکا صدمه نزدند، بلکه به عکس گریبان شرکت‌های متوسط و مردم کشور خود را دم تیغ دادند. آنچه که در این روند ضدبشری افزایش می‌یابد قدرت سرمایه‌داران کلانی است که صاحبان اصلی کنسرن‌ها به شمار می‌آیند. وظیفه شبکه گسترده لابی‌های کنسرن‌ها شتاب بخشیدن به این روند است.

واقعیت این است که امریکا قصد دارد که اقتصاد المان را (به مثابه چهارمین قدرت اقتصادی جهان) که رقیب سرسختی برایش به شمار می‌آید، تا حد ممکن تضعیف کند. در نتیجه، آنچه در این گیرودار از بین می‌رود مؤسسات تولیدی و اقتصادی کوچک و متوسط اند و آنچه قوی‌تر می‌شود و سهامش به اوج می‌رسد، کنسرن‌های زنجیره‌ئی دنیای امپریالیسم‌اند. به خاطر آوریم که در دوران دوساله هم‌گیری کرونا، در حالی که مغازه‌داران و شرکت‌های کوچک روز به روز هستی‌شان را به باد می‌دادند، کنسرن امریکائی آمازون در آمدش سر به فلک می‌کشید.

فراموش نکنیم که دولت دونالد ترامپ که سیاست ستراتیژیک تحریمی امریکا به ضد چین و اروپا را راه انداخت و تا به امروز نیز ادامه دارد، تمام پیمان‌های سازمان تجارت جهانی را که خودش امضاء نموده بود و برای همه دنیا از جمله ایران تجویز می‌کرد، به زیر پای نهاد و از ورود اجناس رقابتی المانی و چینی به امریکا ممانعت کرد تا صنایع داخلی امریکا را تقویت نماید. بانک‌های المانی را به دادگاه کشاند و تا مرز ورشکستگی برد تا استیلای امریکا تأمین شود. این اقدامات آغاز جنگ اوکراین بود.

بر اساس گزارش نشریه المانی «هاندلزبلات» (Handelsblatt)، ایالت‌های امریکا از جمله ویرجینیا، جورجیا و اوکلاهما به طور خاص از شرکت‌های المانی دعوت به مهاجرت به امریکا می‌کنند که در این عرصه با موفقیت نیز روبه رو بوده‌اند.

«کوین استیت» (J. Kevin Stitt)، فرماندار اوکلاهما به این نشریه اظهار داشت: «ما کمترین هزینه انرژی را در ۱۱ فصل از ۱۴ فصل اخیر در ایالات متحده داشته‌ایم».

به موازات اعمال تحریم‌های چند هزارگانه امریکا علیه روسیه، بانک مرکزی این کشور در هماهنگی با وزارت اقتصاد جهت شناور کردن هر چه بیشتر دلار و در نتیجه افزایش قیمت آن در مقابل ارزهای رقیب، اقدام به افزایش بهره بانکی کرد، تا سرمایه‌های سرگردانی را که به دنبال بهره بیشتر هستند به بانک‌های امریکا سرازیر کنند. در نتیجه طبق قانون بازار سرمایه، هر آن مقدار که تقاضا برای دلار افزایش یابد به همان نسبت نیز قیمت آن افزایش می‌یابد. از این رو یوروی اروپا در این بازه زمانی ۲۰ درصد از ارزشش در مقابل دلار کاسته شد.

اکنون بانک مرکزی اروپا می‌کوشد تا با افزایش نرخ بهره یورو به مصاف دلار برود. غافل از این که با توجه به شرایط ناهنجاری که تحریم‌ها علیه روسیه نه تنها قیمت سوخت و انرژی برق را به طور بی‌سابقه‌ای افزایش داده که قیمت غله و سایر مواد غذایی - که به نوعی به هم وابسته‌اند - نیز تا ۳۰ درصد افزایش داشته‌اند. طبیعتاً این امر مصرف و در نتیجه تولید را نیز کاهش خواهد داد که نتیجه‌ای جز ورشکستگی شرکت‌های کوچک و متوسط را به دنبال نخواهد داشت. طبق قوانین سرمایه در چنین وضعی وظیفه دولت‌ها و بانک‌های مرکزی ارزان کردن نرخ بهره بانکی است تا شرکت‌ها قادر باشند با پول ارزان‌تر به نجات شرکت‌های خود اقدام کنند و نه گران‌تر نمودن آن. و این آن مسأله‌ایست که کشورهای اروپائی در شرایط کنونی در آن گرفتار آمده‌اند.

واقعیت دیگر این است که در ۴۰ سال گذشته در ایالات متحده امریکا ظرفیت تولید و در نتیجه تولید انبوه نسبت به درآمد اکثریت جامعه شتاب و افزایش بیشتر داشته است. دلیل آن نیز تنها و تنها در توزیع عمیقاً ناعادلانه ثروت در

جامعه است. زیرا از یک سو در اثر انباشته شدن سرمایه، سرمایه‌داران پیوسته ثروتمندتر و در سوی دیگر شاغلان روزبه روز فقیرتر می‌شوند. بی‌کاران و خانه‌بهدوشان که جای خود دارند.

نکته قابل توجه دیگر این که امروز در امریکا بدهی‌های دولتی و خصوصی جمعاً ۳۵۹ درصد تولید ناخالص داخلی (BIP) می‌باشد. به دیگر سخن در ازاء هر یک دلار تولید ۳/۶ دلار بدهی به بار می‌آید. کارشناسان اقتصادی بازپرداخت این بدهی سرسام‌آور را غیرممکن می‌دانند. گرچه که این حجم مازاد ظرفیت تولید و بدهی در امریکا بی‌سابقه است ولی این تنها امپریالیسم امریکا نیست که با این معضل دست به گریبان است. سایر دول جهان سرمایه‌داری در پایان ماه مارچ ۲۰۲۰ جمعاً رقم باور نکردنی ۳/۵ تریلیون دلار قرض به بار آورده‌اند. یعنی معادل ۳۴۸ درصد تولید اقتصاد جهانی. این حجم از بدهی در ۱۴ سال گذشته یعنی از بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ تنها و تنها جوامع بی‌سابقه می‌باشد، ممکن گشته است.

حجم نقدینگی تنها در کشور امریکا از ۲۰۰۸ تاکنون ۱۱ برابر و در اتحادیه اروپا ۹ برابر گشته است.

اما دوران وام ارزان از تاریخ ماه می ۲۰۲۲، با بالا رفتن بهره بانکی از جانب «فدرال رزرو» امریکا به پایان رسید. بانک مرکزی اتحادیه اروپا (EZB) نیز برای این که از قافله عقب نماند و از ضعف بیش از حد یورو در برابر دلار جلوگیری، نرخ بهره یورو را افزایش داد. اما افزایش بهره بانکی در شرایطی که شرکت‌های کوچک و متوسط و نیز برخی از دولت‌ها با بحران روبه‌رو هستند، آنها را بیش از پیش به ورطه ورشکستگی سوق خواهد داد. علاوه بر این افزایش نجومی قیمت‌های حامل‌های انرژی بر شرکت‌های اروپایی، به ویژه المانی که وابسته به گاز روسیه هستند فشار مضاعفی وارد می‌کند.

به بیان ساده‌تر افزایش بهره بانکی و افزایش قیمت انرژی دو عاملی به شمار می‌آیند که به نابودی شرکت‌های کوچک و متوسط شتاب بیشتری می‌بخشد.

پاسخ به این سؤال که چرا سیاستمداران المانی با چشمان باز نظاره‌گر نابودی اقتصاد المان هستند، بسیار ساده است. امروز به جرأت می‌توان ادعا کرد که المان یک کشور مستقل نیست. زیرا که رهبران سیاسی کنونی این کشور دست نشاندهان وفادار امپریالیسم امریکا به شمار می‌آیند.

حیرت‌آور این که حزب سبزهای این کشور که زمانی به مثابه یک حزب به تمام معنی ضد جنگ (پاسیفیست) عمل می‌کرد، امروز رهبران آن که در رأس وزارت اقتصاد و امور خارجه قرار گرفته‌اند، یک سیاست کاملاً جنگ‌طلبانه (میلیتاریستی) در راستای امیال اربابشان امریکا را بر این حزب تحمیل کرده و فعالانه به آن عمل می‌کنند. این رهبران مزور و دروغگو که همه جا جار می‌زنند که می‌خواهند از حقوق بشر حمایت کنند و به همین دلیل ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه را به عنوان یک جنایتکار محکوم می‌کنند، «مادلن البرایت» (Madeleine Albright) «مرحوم» را، که علناً به کشتار نیم میلیون کودک عراقی اعتراف و به آن افتخار می‌کرد به کنگره‌های خویش دعوت می‌کردند.

یکی از آتش‌بیاران جنگ اوکراین، همین وزیر خارجه المان (از حزب سبزها) «خانم آنالنا بربوک» (Annalena Baerbock) می‌باشد. او به سان آدولف هیتلر بیان داشت که «ما روسیه را ویران می‌کنیم» و در این رابطه اضافه می‌کند که «وظیفه‌اش حمایت مداوم از اوکراین است!» این که در این جنگ طولانی هزاران نفر جان خود را از دست خواهند داد ربطی به «حقوق بشر» ایشان ندارد!!

خانم «بربوک» با وقاحت کم نظیری در جای دیگری می‌گوید که «برایم بی‌تفاوت است که المانی‌هائی که مرا انتخاب کرده‌اند در مورد من چگونه می‌اندیشند؟! برای او بی‌تفاوت است تحریم‌های علیه روسیه به زیان اقتصاد و کسب و کار عمومی در کشورش منجر می‌گردد. برای او بی‌تفاوت است که مردم معترض «در زمستان به خیابان بیایند و بگویند که ما قادر به پرداخت مخارج سوخت خود نیستیم!!» اینها همه از سیاست وابستگی بی‌چون و چرا به امریکا نشأت می‌گیرد.

واقعیت این است که این سیاست وابستگی کامل دولت المان به امریکا نه تنها به زیان اقتصاد و مردم المان، به ویژه قشر فرودست آن تمام می‌شود، بلکه صلح جهانی را نیز به شدت با خطر مواجه ساخته است.

۳۰ سال پیش رهبران سیاسی امریکا آشکارا اعلام داشتند که: «اگر ما اوکراین را تحت کنترل خود درآوریم، آنگاه ما اوراسیا را به زیر نفوذ خود در خواهیم آورد». از این رو امپریالیسم امریکا امروز از تمام امکانات خود بهره می‌جوید تا به این هدف خود جامعه عمل پوشاند. امپریالیسم امریکا نه تنها از انعقاد صلح میان روسیه و اوکراین جلوگیری می‌کند، بلکه با تشدید جنگ در اوکراین می‌خواهد آن را عملاً به جنگ ناتو علیه روسیه تبدیل کند تا با تضعیف روسیه و اروپا، با اعمال سلطه بلامنازع بر قاره اروپا بر مشکل بدهی و مازاد تولید کنونی خود غلبه کند. زیرا که گسترش جنگ به اروپا نابودی زیر بنا و مراکز تولید اروپا، به ویژه المان را به همراه خواهد داشت. امپریالیسم امریکا در صدد است تا یک بار دیگر، به خاطر دوری از میدان اصلی جنگ، از این مهلکه پیروز بیرون آید تا به نیت شوم خود مبنی بر تبدیل شدن به نیروی هژمون جهان نائل آید. او عزم آن دارد که به این شعار خود مبنی بر «ما باید رقباء را کوچک نگاهداریم»، جامعه عمل پوشد.

بنابراین امپریالیسم امریکا را از این که در این مسیر خونبار صدها هزار نفر هلاک شوند و یا تا آخرین نفر در اوکراین کشته شوند باکی نیست. انسان بی‌اختیار به یاد این گفته داهیانه کارل مارکس آموزگار پرولتاریای جهان می‌افتد: «سرمایه‌داری که روز به روز بیش‌تر سود می‌خواهد بالاخره از روی جسد رد می‌شود. سرمایه‌داری همانند ابری که باران در خود دارد، جنگ را با خود حمل می‌کند».

سران سرسپرده دولت المان فدرال به این گفته جرج فریدمن - نویسنده کتاب «جهان در ۱۰۰ سال آینده» که با صراحت معتقد است هدف امریکا در این جنگ جداکردن انرژی (گاز) روسیه از المان است، بی‌توجه‌اند و برای فریب مردم پرچم کاذب دفاع از دموکراسی و حقوق بشر در اوکراین را بر افراشته‌اند.

کیست که نداند امریکا خواهان تضعیف المان است و هم اکنون تا حدودی نیز به این خواست خود جامعه عمل پوشانده است. المان باید تابع امریکا بماند و سیاست‌های وزرای خارجه و اقتصاد کنونی المان بیانگر این واقعیت است که بندهای این وابستگی روز به روز مستحکم‌تر می‌شود. تضعیف اقتصاد المان به نقش رهبری این کشور در اروپا لطمه وارد می‌کند و این بدون تردید به نفع امریکا است.

آری امپریالیسم امریکا عمیقاً خواهان تشدید و گسترش جنگ اوکراین به کل قاره اروپاست. شک نکنیم که با آغاز جنگ اوکراین در بعضی از کنسرن‌های امریکائی شیشه‌های شامپاین بودند که یکی پس از دیگری باز می‌شدند. این که در کوتاهترین مدت سهام شرکت‌های اسلحه‌سازی امریکا قریب به ۲۵ درصد افزایش می‌یابد گویای همه چیز است. از منظر سیاست سلطه‌جویانه امریکا برقراری یک همکاری، تفاهم و مشارکت میان روسیه و المان یک کابوس وحشتناک به شمار می‌آید. تصور این که کشور وسیع روسیه با تمام نیروی انسانی، ذخائر انرژی و معادن طبیعی بی‌حد و حصرش وارد یک اتحاد و همکاری با اروپای مرکزی، که دارای قدرت عظیم تکنیکی، دانش علمی و قدرت اقتصادی است، شود، برای امپریالیسم سلطه‌جوی امریکا یک تهدید بزرگ اقتصادی، سیاسی و یک کابوس وحشتناک به شمار

می‌آید. لذا سیاست خارجی آمریکا در صدد است که میان روسیه و آلمان و خلق‌های آنها نفاق، جدائی و دشمنی بیندازد. جنگ اوکراین که در حقیقت پایه‌هاش با کودتای امریکائی «مایدان» در ۲۰۱۴ در کیف بنا نهاده شد، بهترین موقعیت را برای امپریالیسم آمریکا جهت تحقق بخشیدن به این سیاست به وجود آورده است. دولت مردان کنونی آلمان نیز در این راستا به کمک ارباب شناخته‌اند.

تنها یک خیزش توده‌ئی در آلمان می‌تواند بر این سیاست خانمان‌برانداز نقطه‌ اختتامی نهد، دولت مردان را به انزوا بکشاند و وادار به استعفاء کند.

هم اکنون ندای مردم صلح‌طلب آلمان که خواهان آتش‌بس فوری و آغاز مذاکرات برای نیل به یک صلح پایدار هستند ظنین‌افکن شده است. بسیاری از توده‌های مردم خواهان بر چیده‌شدن تحریم‌ها و باز شدن دو خط لوله‌ گاز نورداستریم ۱ و ۲ از روسیه هستند تا بتوان بر این وضعیت نابسامان اقتصادی غلبه کرد. آنها با صراحت بیان می‌دارند که رفاه، بدون انرژی از روسیه امکان‌پذیر نیست و این خار چشم امریکاست. به همین خاطر آمریکا برای مهار اروپا، خطوط نورداستریم ۱ و ۲ را منفجر کرد که دیگر این نغمه در نطفه خفه شود. خانم مرکل صدراعظم سابق آلمان اظهار داشت که صلح برای اروپا فقط با روسیه ممکن است.

هم اکنون مردم آلمان از طریق یک کارزار توئیتری خواهان استعفاى سران دولت به ویژه وزرای امور اقتصاد و خارجه آقای «روبرت هابک» (Robert Habeck) و خانم «بربوک» هستند. مردم در پست‌های تلگرامی می‌نویسند که «بربوک نماینده منافع مردم آلمان نیست، بلکه منافع اوکراین را نمایندگی می‌کند».

[۱] - انقلاب کبیر بورژوائی فرانسه، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر روسیه و انقلاب کبیر دموکراتیک نوین اکتوبر چین و سرانجام انقلاب شکوهمند بهمن- دلو- ۱۳۵۷

[۲] - «... لا اله الا الله / لا اله الا الله / لا اله الا الله / وحده وحده وحده / انجز انجز وعده / نصر نصر وعده / لا شریک لا شریک له / انجز وعده و نصر عبده / انجز وعده و نصر عبده...»